

بسمه تعالی

## مبانی فقهی نظریه گذار از مجازات‌های بدنی

رحیم نوبهار؛ پژوهشگر حوزوی و دانشیار دانشکده حقوق- دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه نظریه ارائه شده در کرسی ترویجی عرضه و نقد ایده علمی با عنوان: مجازات‌های بدنی در اسلام و حقوق بین‌الملل- برگزار

شده در قم- پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی قم با همکاری پژوهشگاه قوه قضائیه- پنج شنبه ۱۳۹۶/۰۶/۲۳.

چکیده: با پیروزی انقلاب اسلامی و گرایش مردم و نظام اسلامی به اجرای مقررات شرعی که در اصل چهارم قانون اساسی نیز بر آن تأکید شد قوانین جزایی به سرعت دگرگون شدند. در حالی که قوانین جزایی پیش از انقلاب اسلامی وجه عرفی داشت قوانین جزایی پس از انقلاب اغلب همان آموزه‌های فقهی بودند که بویژه از کتاب‌هایی مانند تحریرالوسیله امام خمینی-رحمه الله-ترجمه شده بودند. در جریان تدوین این قوانین چندان که باید به عنصر واقع‌گرایی و ضرورت سازگاری قوانین با واقعیت‌های اجتماعی توجه نشد و حتی از ظرفیت‌های فقهی موجود برای گزینش فتاوی راهگشا و سازگار با واقعیت‌های جامعه اسلامی بهره‌برداری نشد. از جمله پیامدهای این رویکرد ورود مجازات‌های بدنی در سطح وسیع به قوانین و مقررات جزایی بوده است. البته قانون‌گذار ایرانی در این باره فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. در آغاز بر مجازات‌های بدنی حتی در قلمرو تعزیرات به شدت تأکید می‌شد تا آن‌جا که برای کمتر جرمی مجازات بدنی پیش‌بینی نشده بود. اما رفته‌رفته در سایه توجه به کاستی‌ها، ناکارآمدی‌ها و پیامدهای جانبی این دست کیفرها به گذار از مجازات‌های بدنی تمایل نشان داده شد و به جای آن مجازات‌های اجتماعی در کانون توجه قرار گرفت. همزمان اجرای مجازات‌های بدنی به سهم خود واکنش‌های جهانی و بین‌المللی را هم برانگیخته است. در برخی موارد، این مجازات‌ها به لحاظ عملی هم با مشکل مواجهند. گاه قانون‌گذار جزایی ایران برای برون‌رفت از برخی مشکلات به ابداعاتی دست زده است که برابر موازین فقه سنتی شگفت-انگیز می‌نماید. برابر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دادگاه‌ها مجازند فردی را که به حد محکوم شده است در صورت لزوم به مجازات‌های تکمیلی نیز محکوم نمایند. در مجموع نوعی تمایل و گرایش در دادرسان متعهد وجود دارد که از حکم به مجازات بدنی تا جای امکان پرهیز می‌کنند.

این پژوهش می‌کوشد تا در چارچوب مبانی و اصول روش‌شناختی مقبول در فقه رایج و با رویکرد تحلیلی-انتقادی بر بنیادهایی تأکید کند که بر پایه آن‌ها می‌توان گذار از اجرای مجازات‌های بدنی به عنوان حد یا تعزیر را شرعاً موجه دانست. اهم محورهایی که پژوهش بر آنها تأکید کرده عبارتند از: امضایی بودن همه مجازات‌هایی که در متون دینی ذکر شده است؛ موضوعیت‌نداشتن شکل و شیوه اجرای مجازات و اهمیت داشتن مقاصد و اهداف مورد نظر از اجرای کیفر نزد عقلای جهان؛ عبادی و توقیفی نبودن مقررات ناظر به نوع مجازات‌ها و در نتیجه، ضرورت فهم متون مربوط به تعیین کیفر در سایه تغییر و تحولات عقلایی؛ امکان صدق عرفی شکنجه بر برخی از مصادیق مجازات بدنی؛ ناتوانی نوع شهروندان از تحمل مجازات‌های بدنی؛ ناسازواری گونه‌هایی از مجازات‌های بدنی با کرامت و حرمت آدمی؛ پیامدهای نامطلوب جانبی اجرای مجازات‌های بدنی از جمله نقش آنها در رویگردانی مردم از شریعت محمدی(ص)؛ ضرورت همراهی و هماهنگی مجازات‌های شدید حدی و بدنی با اجرای دیگر بخش‌های اسلامی بویژه مقررات ناظر به حمایت از فقیران و نیازمندان مانند زکات؛ و اختیارات حاکمیت اسلامی در چند و چون اجرای مجازات‌ها اعم از حد یا تعزیر. به نظر می‌رسد وجوه پیش‌گفته گذار از

مجازات‌های بدنی را شرعا موجه می‌سازند؛ بلکه برخی از عناوین ثانوی گاه مشروعیت اجرای مجازات‌های بدنی را با اشکال مواجه می‌نماید.

واژگان کلیدی: فقه جزایی، مجازات بدنی، رجم، تازیانه، قطع عضو.

## فهرست مطالب

مقدمه: کاستی‌ها و مشکلات مجازات‌های بدنی

۱. تأثیر امضایی بودن مجازات‌های بدنی بر وضعیت دوام یا زمانمند بودن آنها
۲. عبادی و توقیفی نبودن آموزه‌های دینی ناظر به کیفرهای بدنی
۳. اثرپذیری حکم مجازات‌های بدنی از تغییر و تحولات عقلایی در مقوله کیفر
۴. طریقت‌داشتن مجازات در برداشت‌های عقلایی از مقوله کیفر
۵. بازخوانی مجازات‌های بدنی در آیین اصل کرامت انسانی
۶. مجازات‌های بدنی و اصل ممنوعیت مطلق شکنجه
۷. ناتوانی نوع شهروندان از تحمل مجازات‌های بدنی
۸. مجازات‌های بدنی و بدایند دینی در عرصه داخلی و بین‌المللی
۹. عدم امکان اجرای مجازات‌های حدی و شدید در صورت عدم اجرای بخش‌های دیگر مقررات اسلامی بویژه مقررات حمایتی در حوزه اقتصاد و مبارزه با فقر
۱۰. گسترده‌گی اختیارات حکومت اسلامی در چند و چون اجرای مجازات‌ها

نتیجه‌گیری